



سال سوم ، شماره ۱۰۴  
پنجشنبه ۲ مهر ماه ۱۳۶۰  
بها ۱۰ ریال

دوباره هفت منتشر میشود

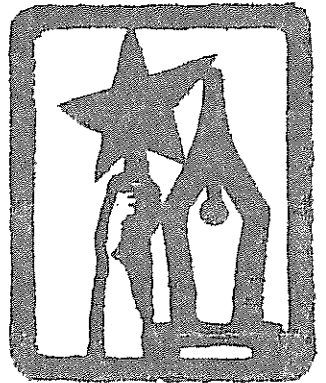
کتابخانه ایران  
Iranische Bibliothek in  
1886

# رهائی

## ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

# سرنگونی قهرآمیز رژیم اسلامی، مبارزات توده‌ای و سازمانهای چپ



در صورت مبارزه مسلحانه عنوان میشد از ما مان  
این جریان برخاست گوا اینکه هرگز مستقلا عنوان میشد  
و دیر و حی در این سازمان نه تضاد آنها را با یکدیگر  
میدید و نه بالنتبع نیازی به نقد تظاهرات گذشته  
بیا دمیآ و رژیم زمانی را که بزرگترین کوشش ما بسر  
این بود که به رفقا نشان دهیم تظاهرات جزئی بسا  
احمدزاده و تظاهرات احمدزاده با پویان فرق دارند  
" کفر آمیز " بود! " شما میخواهید بگوئید که  
احمدزاده و پویان با هم اختلاف داشتند!؟ " اگر  
این فقط مربوط به گذشته بود باید از آن میگذشتیم  
ولی همین برخورد سطحی کودکانه در " نفی " مبارزه  
مسلحانه نیز نمودار شد. ناگهان یک شبه چنان

در ایران بها طرما بقعه مبارزه مسلحانه علیه رژیم  
شاه توسط کمونیستها و نیز خرده بورژوازی سخن از  
این مقوله گفتن با رشتوریک و عاطفی سنگینی در بر  
دارد. تظاهرات مختلفی که از ضرورت مبارزه مسلحانه  
سخن میگفتند و آنتی تظاهراتی که دست بردن بسا  
سلاح را ما چرا جویی تلقی میکردند میباید بستی در بر تو  
ده سال مبارزه جمع بندی میشدند و اگر نه نسخته ،  
لااقل رهنمودی برای مبارزات بعدی بدست میدادند  
واقعیات این است که این کار نشد نه تظاهرات موافق  
مبارزه مسلحانه در دوران شاه در بی تجارب بعدی  
باز بینی شدند و نه تظاهرات مخالفین . عده ای هنوز در  
گذشته ، در عالمی بسر میبرند که با دور غار رشتیسان  
و اصحاب کتف است . جدل آنها هنوز در دنیا ای احمد  
زاده ها و پویان ها و در آسمان روپاها جریان دارد .  
هنوز تظاهرات جزئی ها و صفائی فراها نیها مسئله  
امروز آنهاست و گوئی که نه خانی آمده و نه خانی رفته ،  
نه انقلابی شده و نه رژیم عوض شده ، نه دنیا کسی  
متحول شده و نه جا معده ای دیگرگون شده ، هنوز بسا  
آموخته های اولیه کلنجار میروند و خود می فریبند  
در مقابل این جریان غیر تاریخی " تاریخی " عده ای  
کشور تر چنان مجذوب و بهتر بگوئیم مرعوب انقلاب  
سیاسی اخیر شدند که سخن از گذشته گفتن را عار  
دانستند . درخشش آفتاب روشن گر راه آنان نشدند  
چشمهایشان را خیره و کور کرد . بهت زدگان انقلاب  
که بی رای ایستادگیشان هم نبود .  
فدا ثیان بار عده مبارزهای را بدوش داشتند که  
بسیج کننده ترین جریان از لحاظ جذب کمونیستها  
بود . تظاهرات مختلف و متناقضی که از طرف کمونیستها

بلیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر :

- \* ایران و مطبوعات جهان
- \* گشایش مدارسی ...
- \* اخبار

تکثیر از : هسواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

سرنگونی...

مبارزات مسلحانه گذشته نفی شده گونئی با پدیده های  
 اظهار منالشمس و پروشم که نیازی به اثبات ندارد .  
 سازمان چریکهای فدائی خلق بلافاصله پس از انقلاب  
 خط بطلان برگزیده خود کشید و لی آنقدر نه تنها  
 و نه احساس مسئولیت نسبت به جنبش را داشت که  
 برای یکبار هم گفته دلیل یا دلائل این نفی  
 گذشته را بیان کند . حقارت کوردلانی که درخشش  
 گذشته را نمی توانستند ببینند فقط با سکوت بیان  
 شدنی بود . افسانه ایست ولی حقیقت دارد که  
 سازمانی که همه چیز خود را مدیون مبارزات مسلحانه  
 بود - چه از نظر کیفی در پائین ترین سطوح ممکنه  
 قرار داشت - اکنون بعنوان زمینه سازی برای  
 پرواز انحرافات مدعی تربعدی این یک یادگار  
 را دیگالیم گذشته را نیز نفی میکنند . تا هم امروز  
 هیچ یک از بخشهای منسوب فدائیان این احساس  
 وظیفه را نکرده اند که اگر سخنی در این باره دارند  
 بیان کنند . از اکثریتی های خائن به خلق و خائن  
 به شهدای گذشته خود چنین انتظاری بیهودا است ، اما  
 رفقای اقلیت در این باره چه میگویند ؟ کمی نمیدانند  
 از میان سایر نیروها اردو سازمان میبشوان  
 نام برد که تلاشی قابل ذکر جهت بررسی این موضوع  
 کرده اند ، گرچه این تلاش نه کامل بوده و نه جامع  
 و جزاینهم نمی توانست بود . توده عظیم تجربه در  
 دست فدائیان بود و بلااستفا ده مانده بود . یکی از  
 این سازمانها " راه کارگر " است که در ابتدا  
 کارش طی جزوه ای گونید " مبارزات چریکشی"  
 را مورد انتقاد و نفی قرار دهد و طی این کوشش به  
 تزی رسید برای خالی نبودن عریضه . مطابق این  
 تزد در دوران سرکوب توسط رژیم مبارزه مسلحانه  
 معازمت ، در دوران اختناق (یعنی زمانی که  
 رژیم تثبیت شده ) مجاز نیست . عاقلان در همان زمان  
 نیز میدانستند که این " اوانس " به مبارزه مسلحانه  
 زستی ظاهری است که برای خط کشی با تزه های  
 حزب توده و اعوان انصار ابداع شده است . اگر  
 کسانی در آن زمان در این برداشت شک داشتند امروز  
 قاعدتا " بناید قانع شده باشند . " سرکوب " از امروز  
 و حسیانه تر متصور نیست . رفقای راه کارگر بایستد  
 یکبار دیگر دست بکار شوند تا الزامات امروزی تسز  
 اپورتونویستی دیروزی را نفی کنند . براساسی که  
 گذشت زمان عبرت انگیز است .  
 سازمان دیگری که در مورد مبارزات مسلحانه  
 گذشته نظر داشته است سازمان ما بود . مادر عیسن  
 تا قید مبارزات مسلحانه گذشته ، برخی از تصورات  
 فقط در مورد میزان کارآئی و ارتباط آن با سایر  
 شیوه های مبارزه را ، هم در زمان جاری بودن مبارزات  
 وهم پس از آن مورد انتقاد قرار دادیم . ما معتقد  
 بودیم که انتظا را از مبارزه مسلحانه برای آگاه  
 کردن توده های نا آگاه خطا است . مبارزه مسلحانه  
 نمیتوانست نقش فعال کننده و بسط کننده بخش های  
 آگاه جنبش را بسط دهد داشته باشد . و داشت . علاوه بر  
 این ما معتقد بودیم که مبارزه مسلحانه مجور تعیین -

کننده سایر اشکال مبارزه ، بویژه در زمانی که بخش  
 عظیمی از توده نا آگاه و غیرفعال است نیست بلکه  
 یکی از اشکال مبارزه است که در کنار سایر اشکال  
 مبارزه میتواند نقش موثر خود را بازی کند ( رجوع  
 شود به دفتر " تدارک انقلاب سوسیالیستی " و مرحله  
 " تدارک انقلابی " ) با توجه به سطح رشدنازل جنبش  
 کمونیستی ایران شگفت انگیز نیست که بیاد آورده  
 شود که کسانی که امروز مبارزات مسلحانه گذشته  
 را با شدیدترین - و در مواردی وقیحانه ترین -  
 الفاظ رد میکنند ، همان کسانی هستند که به  
 انتقادات ما در زمان خود با همان وقاحت برخورد  
 میکردند " مبارزات مقدس چریکی " را مبری از هر  
 هیب و ایرادی میدانستند . باز هم بایه گفت که  
 براساسی گذشت زمان عبرت انگیز است .



ذکر مطالب فوق بمعنای برخورد به گذشته نیست .  
 های یک برخورد جامع و آموزنده هنوز خالی است  
 و اگر نخواهیم هر بار از صفر شروع کنیم بایده آن به  
 آموختن از تحارب ، اقدام کنیم . یادآوری نکات  
 فوق از آنجهت سودمند است که بدانیم چقدر فقیر  
 هستیم و اگر نخواهیم از این وضع خارج شویم چقدر  
 تنها زمینیه کار جدی هستیم . بدانیم که آنان که  
 بدنبال گنج نابرده رنج هستند ملعبه تاریخند و نه  
 سازنده تاریخ .



ما در راه های شماره های ۱۰۰ و ۱۰۱ در مورد ضرورت شرکت  
 چپ در روند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نظرات  
 خود را عنوان کردیم و توضیح دادیم که اگر چپ  
 تنها بدیل جدی در مقابل رژیم بودشا پدمیشد  
 استدلال کرد که بهترین شرایط برای شروع کار  
 سرنگونی هنوز فراهم نیست و مثلا باید در انتظا  
 آماده تر شدن شرایط عینی و ذهنی - و از جمله آمادگی  
 بیشتر چپ - به امر تدارک پرداخت . اما در همانجا  
 توضیح دادیم که اینگونه اگر چه چیزی جز پندار بافی  
 را اثبات نمیکند . چپ نه تنها قوی ترین بدیل  
 نیست بلکه هنوز با تبدیل واقعی اجتماعی نیست .  
 سایر نیروهای اجتماعی که بنحوی در پی تغییر وضع  
 هستند مستظرا اقدام چپ نمی مانند و نمانده اند . حرکت  
 وسیعی جهت تغییر وضع شروع شده است و چپ ایران  
 نمی تواند انحراف کند که چرا حرکت شروع شده است  
 بلکه باید ببینند در مقابل وضع موجود چه اقدامی  
 می توانند بکنند . یک رژیم سبع هزاران انقلابی  
 و آرزندانها شکسته میدهد و به جوخه اعدام می سپرد .  
 گفانی نظیر ما هدین صرفنظرا از ایرادات بینشی  
 و سیاسی خود با جدیتی قابل تحسین کمر به تغییر  
 وضع بسته اند . بوی خون و باروت فضا را پر کرده  
 است . و تمام شواهد حاکی است که وضع از این نپسز  
 بدتر خواهد شد . پروسه جنگ داخلی بهر حال شروع شده  
 است . و مسفعل ماندن بدلیل " عدم آمادگی"  
 سزاوارنه تنها سرزنش که تحقیر خواهد بود . بنا بر این  
 خوب باید ، راه های متعددی برای انتخاب نمانده

جمهوری اسلامی دشمن زحمتگشان، حامی سرمایهدار

است. این گوی است و این میدان. عدم شرکت است. بمنزله خودکشی است. در این نکته تردیدی نیست.

آحاد مبارزه

مبارزه کمونیستیها، و شروع مبارزه آنها، هویت خاص خود را دارد. مبارزه ای که در محتوا و شکل، در برنامه مبارزاتی و اهداف مطرح آن با برنامه خرد بورژوازی تفاوتی نداشته باشد یک مبارزه خرد بورژوازی است صرف نظر از ادعاهای پشت آن و صرف نظر از ترکیب نیروهای آن. کمونیست بودن یک نام نیست. یک هویت است و اگر خصوصیات این هویت در حرکات مشخص نیابد هویتی. و این در شرایط غلبه مبارزه خرد بورژوازی یعنی خرد بورژوا بودن - مسلم است. بنا بر آن در هر برنامه و هر عمل کمونیستیها ما رنگ کمونیستی، محتسوسوای کمونیستی با بدستین باشد، یعنی برنامه ارائه شده، اهداف اعلام شده و شیوه مبارزه با ایداز حد اقل مطالبات کمونیستی در لحظه معین کمتر نباشد. بدین ترتیب جمیع شیوه های مبارزه که در کمال با برنامه مشخص هویت کمونیستی مبارزه را نشان میدهد، در یک مبارزه مشترک برای سرنگونی رژیم مورد توجه هستند. هیچ شیوه ای نیست که پیش از این نفسی یا پذیرفته شود، بلکه مجموعه کلی ارائه شده است که با بد حرکت به پیش مبارزه کمونیستی را تضمین کند.

هر حرکت کمونیستیها حرکتی است در خدمت بسیج زحمتکشان. بنا بر این هر حرکتی با ایدوجه بسودن خود را برای زحمتکشان توضیح دهد. یعنی زحمتکشان بدانند که این حرکت خاص چرا انجام میگردد. چه اهدافی را در بردارد و از همه مهمتر در راستای تحقق آن اهداف چه اثر مشخصی دارد. بنا بر این نه تنها مقدم بر حرکت جدی، مجموعه خواسته های کمونیستیها با بد بطور روشن و صریح و غیر قابل تفصیر و تعبیر دروسمترین سطوح ممکنه توضیح داده شود بلکه همه اجزاء حرکت نیز با ایدطوری تنظیم شود که هم در صورت امکان خودبیا نگر اهداف خویش با شنند و هم اینکه با توضیحات دقیق و روشنگر همراه باشند. حرکاتی که از جانب کمونیستیها در ماه های اخیر شده است غالباً این خصوصیت را نداشته است و لاجرم تحت الشعاع حرکات مجاهدین بوده و در ذهن توده جزئی از اقدامات مجاهدین تلقی شده است. نه هنوز با زمانی و با اشتقاقی برنامه مشخص داده است، نه شیوه های مبارزه در اجزاء توضیح داده شده اند و نه اینکه رابطه اقدامات انجام شده با برنامه کار مشخص گشته است.

مقولات کار کمونیستی، تبلیغ و ترویج و سازمان دهی هیچیک قابل صرف نظر کردن نیستند و هر حرکتی که برای این هر سه مقوله برنامه نداشته باشد محکوم به شکست است. اما اقدام در جهت اجرای این برنامه ها - یعنی شیوه مبارزه - مطلقاً تابع محتوای برنامه است. همانطور که گفتیم شیوه مبارزه از قبل مشخص نمیشود. محتوای مبارزه است که شیوه اقدام را معین میکند. این مسئله بدیهی

و با زلزم است هزار بار بذهن آوریم که مقوله محتوا و شیوه در عین ارتباط داشتن با هم از یکدیگر مستقل اند. بنا بر این مثلاً این سؤال که " اکنون زمان کار تبلیغی است و یا مبارزه مسلحانه " سؤالی مضحک است. مثل اینست که مثلاً پرسیده شود ایران یک جامعه طبقاتی است و یا یک جمهوری است. جواب پیدا است: یک جامعه طبقاتی است که شکل حاکمیت آن جمهوری است. گما اینکه قبلاً جامعه طبقاتی بود و شکل حاکمیت آن سلطنتی بود، و گما اینکه روزی جامعه غیر طبقاتی جمهوری خواهد بود. توضیح چنین مسائلی برای خوانندگان رهائی ممکن است غیر ضروری بنظرسد ولی هنگامیکه مشاهده میشود که کسانی مدعی میشوند بجای مبارزه مسلحانه با بدکار ترویجی و تبلیغی... کرد با این نکته پی میبریم که با بدحتی ایدانیا را نیز توضیح داد و گفت که دوستان! بحث در کار ترویجی و تبلیغی کردن یا نکردن نیست. البته با بدکرد. بلکه بحث در این است که این کارها را به چه صورتی با بد صورتی، به چه شیوه های انجام داد. آیا توسل انحصاری به شیوه های مسالمت آمیز (غیر مسلحانه) برای پیشبرد این امور (کار تبلیغی و ترویجی...) کافی است و یا آنکه با ایداز شیوه های مسلحانه نیز مدد جست.

این بحث ها با ایداور بحثهای غالباً مبتدلی است که در زمان رژیم شاه در محافل اپوزیسیون جریان داشت و مطابق آن گرایشهای سیاسی و گرایشهای دیگری نظمی تلقی میشدند. سیاسی کارونظمی کار. محتوا در مقابل شیوه قرار میگرفت. یعنی بجای سیاسی و غیر سیاسی، نظمی و غیر نظمی (مسالمت - جسو) خواندن حربانات، بجای اینکه گفته شود عده ای معتقدند کار سیاسی را با اید بطور مسالمت آمیز انجام داد و عده ای معتقدند که با بدکار سیاسی را بطور قهرآمیز (محوری و یا غیر محوری بحث دیگری است) انجام داد. قضیه بصورت مبتدلی سیاسی یا نظمی در آمده بود. شگرد با اید اصلی این مهملگوشی حزب توده بود و ما شونستیهای "فیلی فتوده ای" آن روز هم که تمام ما هم خود را از حزب توده - با دشنام به حزب توده! - میگرفتند عیناً همین مهملات را تکرار میکردند. بگذریم از این مسئله که در داخل اردوی مبارزین مسلح هم این در هم گوشی وجود داشت. آنها نیز بعنوان "دشنام به دیگران" سیاسی کار" خطاب میکردند. گوشی کار خود آنها سیاسی نبود. و شاید هم احتمالاً برای عده ای نبود.

بهر حال تکرار این مهملگوشی بعد از ده سال واقعا منمزشکننده است و امیدواریم که لا اقل کسانی که متوجه تما باین مسائل هستند در نوشتار و گفتار خود آنها را تفکیک کنند و قضیه مثلاً با این صورت در نیاید که هر کسی موافق سرنگونی قهرآمیز رژیم بود، "نظمی کار" است و هر کس مدافع تعب نشینی و انفعال شد سیاسی کار.

بهر حال اگر با این تفکیک قائل باشیم و نیز اگر سرنگونی رژیم را نه یک مسئله مربوط به آینده های دور بلکه پروسه ای بینیم که هم اکنون شروع شده است و پروهای اجتماعی مختلف درگیر آن هستند،

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

توده‌ای و فعالیت سازمانهای سیاسی مسئله حل شده است. یکی از دامان دیگری برمیخیزد و در اساسی با آن مرتبط و یگانه است.

در ایران، درد را خیر میارزات، روتکسار چنین نبوده است. علیرغم ازدیاد سریع ناراضی توده‌ای، علیرغم آنکه فقر و فلاکت بخش اعظم زحمتکشان پهنه بسیار بقدهای رسیده است، مهادیدلایل مختلف حرکت اعتراضی آنان، جنبش آنان، بوسمت و عمق ناراضی آنان نبوده و از آن مهمتر خصوصیت طبقاتی و بسوزه را پندار نگرده است. بطوریکه امروز نمیتوان گفت که جنبش طبقه کارگر شکل گرفته تر و وسیع تر از گذشته است و با آنکه سازمانهای کارگری متشکل تر از گذشته هستند. نداشتن خصوصیت طبقاتی و بزه کارگری، لاجرم مبارزات کارگری را از لحاظ سیاسی در مقوله خرده بورژوازی قرار میدهد و آنرا تا بی می کند از جو عمومی خرده بورژوازی غایب از جانب دیگر تشدید تعداد، یا بهتر بگوئیم حدت سیاسی تضاد میان جریانهای سیاسی قوی در جامعه و در اینجا بهتر است بگوئیم میان مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی - نمایگر تشدید تضاد طبقاتی

اجتماعی نبوده است. بلکه نماینده تشدید تضاد سیاسی است. بعنوان مثال مجاهدین بمعنی عنوان نماینده بخشی از توده ها در تضاد طبقاتی خود با بخش دیگری عمل نگرده اند. زمانی هست که مبارزات این یا آن قشر یا طبقه اجتماعی یا قشر یا طبقه ای دیگر که از مبارزات اقتصادی شروع و به مبارزات سیاسی ارتقاء می یابد موجب تشدید تضاد است. مثلا خرده بورژوازی تحت فشار رقبا میگیرد. یا بورژوازی مبارزه میکند (صرف نظر از اینکه ما هیت تضاد محرک این مبارزه آنتاگونیستی نیست)، بر خواسته های اقتصادی خود یا فشاری میکنند مبارزات اقتصادی را تشدید می دهد و بالاخره بسان خصوصیت سیاسی میدهد و این خصوصیت سیاسی هم گاه میتواند حتی بصورت وشبوه قهرآمیز بیان شود. یکی از تضادهای بخش مهمی از خرده بورژوازی با رژیم شاه از این مقلوبه بود. اما امروز وضع چنین نیست. تضاد مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی بیان تضاد طبقاتی مشخصی نیست. تضاد قدرتهای سیاسی است و در عرصه سیاسی محدود می ماند. این مثلا مجاهدین نیستند که در مبارزه خود با رژیم خواسته های اقتصادی و طبقاتی بخشی از خرده بورژوازی را نمایندگی میکنند. توده طرفدار مجاهدین از لحاظ طبقاتی با بگانه کمی بیش مشابه توده طرفدار رژیم دارد و خواسته های طبقاتی مشابهی دارد. جدال این دوسو

جدالی منبعت از تضادهای روبنائی (ایدئولوژیک، سیاسی...) است. این دوسو را از لحاظ اقتصادی بدیل هائی مقابل هم نیستند. هر دو طالب نوعی سرمایه داری دولتی هستند صرف نظر از اینکه چنانچه به آن میدهند یا آنکه و چقدر جدی هستند و یا چقدر امکان آنرا دارند. تضاد، تضادی روبنائی است و این مهمترین ملاحظه در این جدال است. اما باید دید معنای این ملاحظه چیست. معنای

آن اینست که فلان زحمتکش فقیر، فلان کارگر تحت استثمار، فلان کاسب جزء به فلاکت کشیده شده، جدال مجاهدین با رژیم را بیان خواسته های خود نمی بینند. جدال این دوسو برای اوج دال دو

نیروی بیگانه است. به او زندگی او مربوط نیست این زحمتکش از وضع خود راضی نیست. درست. ولی دلیلی ندارد که تصور کند با روی کار آمدن مجاهدین و بنی مدربون وضع او بهتر میشود. چرا چنین تعوری کند؟ مجاهدین از نظر طبقاتی کدام را دیگه لایسم خاص را نشان داده اند، کدام برنامه واقعی اصلاح اجتماعی را عرضه کرده اند که انتظار داشته باشند زحمتکشان برای نجات از مصائب زندگی روزمره خود باید بصورت آنها جلب شوند؟ آیا این امر که یکی مدعی دفاع از "اسلام راستین" و دیگری دفاع از "اسلام مکتبی" است برای توده زحمتکش معنایی دارد؟ اگر مجاهدین چنین بیندیشند یا خود را فریفته اند و با آنکه توده را دستکم گرفته اند. توده ها دانشش طبقاتی ندارند ولی فهم طبقاتی دارند. آنها می فهمند که جدال این دوسو اسلام

جدالی بر خاسته از خواسته های آنها نیست. آنها نه این اسلام را می شناسند و نه آن اسلام را، اما خواسته های خود را خوب می شناسند. در چنین حالتی تضاد توده ها با رژیم در عین حال که رشد می یابد میان خود را در تضاد مجاهدین با رژیم نمی یابد. هر یک برای خود مبارزه میکنند بدون آنکه ضرورتا بهم پیوند یابند.

حکمی که در بلاد آدیم در مورد مبارزات چپ با رژیم نیز بنحوی صادق است. چپ ایران در سه سال اخیر مبارزه طبقاتی چشمگیری را سازماندهی نگرده است و مبارزات سیاسی آن نیز صرف نظر از اصلاحات و تعابیر، در کل قابل تعابیر با مبارزات مشغلا مجاهدین نبوده است. بدین جهت توده های مردم زحمتکش بطور ملموس ارتباط خواسته های خود با دعای چپ را درک نمی کنند. توده ها ممکن است از ضرباتی که به رژیم وارد می آید بخاطر رضایتی خود از رژیم نوعی احساس رضایت کنند ولی ارتباط آنرا با مسائل روزمره زندگی خود نمی بینند چون این ارتباط بطور مستقیم وجود نداشته است.

مشاهده این واقعیت حیاتی ترین مسئله چپ است. اگر چپ ایران معتقد است که انقلاب کار توده ها است و این را در سخن همه میگویند. اگر چپ ایران آنقدر درایت دارد که عدم پیوند امر مبارزه طبقاتی و سیاسی را لااقل از نظر توده ها ببیند. ولی اینرا همه چپ نفهمیده است. بنا بر این مسئله مبهم اینست که چگونه مبارزات چپ را با نیازهای سیاسی و مبارزات توده ها پیوند داد. چگونه مبارزه سیاسی را با مبارزه طبقاتی پیوند داد. این عاجلترین مسئله چپ است. و عاجل بودن آن در شرایط امروز بیش از هر زمان دیگری است. به دیگر سخن در شرایطی که علیرغم آمادگی چپ، علیرغم آمادگی کامل شرایط عینی و ذهنی، مبارزه نهائی تحصیل شده است و سرنگونی قهرآمیز

# سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بخت ایاسی باین خلاصه میشود که چه طرق و شیوه‌های  
برای تبلیغ و بسیج مردم وجود دارد و میسر است  
مسلحانه در این میان جایی دارد یا نه، و اگر دارد  
تا چه حد است.

بنظر ما در شرایطی مانند امروز کمونیستها از هر  
وسيله‌ای که در دست دارند برای سرنگونی رژیم باید  
استفاده کنند. از آنجا که کسی در صورت تشدید  
مبارزات طبقاتی، برآه انداختن اعتصابات  
و حرکتها اعتراضی زحمتکشان تردیدی ندارد تا کید  
مادر اینجا در استفاده از هر فرصت کوچک و بزرگی  
ضرورت ندارد. مطمئناً و قطعاً باید از تمام  
نیروی خود در این زمینه‌ها بهره‌برداری کرد. این  
بهره‌برداری نه صرفاً بخاطر کمکی است که به سرنگونی  
رژیم میکنند - که بخودی خود درست - بلکه بویژه  
بخاطر تائیدی است که در اعتلا کیفیت طبقاتی

مبارزه دارد. مبارزات عمومی کنونی از لحاظ  
جنبه طبقاتی ضعیف و شکل نگرفته است. شرکت  
بخش مهمی از کارگران نه در زمینه طبقاتی خاصی  
بلکه در زمینه عمومی اجتماعی است. تردیدی  
نیست این حکم مطلق نیست و حرکات طبقاتی  
کارگران نیز بخشی از مبارزه را تشکیل میدهد و لکن  
این حرکات هنوز در بخشهای مهمی هویت کارگری پیدا  
نکرده و یادروست و حدی که وضع و خیم کارگران  
می طلبند نبوده است. تا کید همیشه ضروری و امروز  
ضروری تر از همیشه کمونیستها بر بسیج زحمتکشان  
یکی از مهمترین تضمین‌ها است برای ادامه کار  
و برای جلوگیری از قدرت با بی بدیلیهای غیر  
کمونیستی در مقابل کمونیستها. اما این اقدامات  
امروزه تنها نیازی نیست اعتراضی را بر  
آورده نمیکند و برای سرنگون کردن رژیم  
هر چند لازم اما کافی نیستند. بخش قابل توجهی  
از زحمتکشان در تضاد خود با رژیم به حدی رسیده‌اند  
که آمادگی اقدامات رادیکالتری هستند، میتوانند  
با اقدامات رادیکالتر کمونیستها جذب و بسیج شوند.  
در غیر این صورت روی آوردن این بخش به غیر  
کمونیستها امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. بخش  
های عظیمی از توده‌های راضی از مخالفین رژیم  
تقاضای "افشاگری" بیشتر را ندارند. آنها در  
تجزیه روزمره خود این مسائل را با پوست و گوشت  
خود لمس کرده‌اند. هنگامی که می‌بیند جنگ در کوچه  
و خانه و خیابان در گرفته است بحق و به درستی  
خواهان شرکت در آن هستند. توده مردم امکان  
سرنگونی رژیم را می‌بینند. ممکن است همه‌آبادگی  
شرکت در آنرا هنوز نداشته باشند ولی تنها راهی که  
کمونیستها میتوانند آنها را به شرکت در آن ترغیب  
کنند این است که نشان دهند آنان نیز امکان  
سرنگونی رژیم را می‌بینند و در جهت آن اقدام  
میکند. و با لازم می‌بینیم که تکرار کنیم که بحث  
این نیست که از نظر کمونیستها بهترین زمان برای  
شروع پیروم سرنگونی رژیم فرا رسیده بود یا نه بحث  
اینست که این پیروم بنا بر مکانیسم‌های خود  
شروع شده است و کمونیستها بعنوان یک نیروی  
اجتماعی باید واقعیت را ببینند و برای  
شرایط واقعی برنامهای داشته باشند و نه شرایط  
ایده‌آل.

هنگامی که جنگ در همه جا شروع شده است. هنگامی  
که رژیم برای ادامه حیات ننگین خود از هیچ  
اقدام مسلحانه‌ای امتناع نمیکند، هنگامی که  
مبارزه مرگ و زندگی در جریان است تصور اینکه  
مستوان دشمن مسلح و پورش آورنده را صرفاً با  
اقدامات مسالمت‌جویانه سرنگون کرد و با آنکه  
جلوگشتار و قتل عام را بدون توسل به اسلحه گرفت  
و با حتمی از خود دفاع کرد، پندار خامی بیش نیست  
مبارزه شروع شده است. باید تصمیم گرفت. باید  
تاکید کرد که مبارزه برای سرنگونی رژیم، به  
مبارزات مسالمت‌آمیز محدود نمیشود و ورود عنصر  
فهرآ میزبنا به یک عنصر ضروری و اجتناب ناپذیر  
اعری حیاتی است. "سرنگونی" غیرقهرآ میزبنا  
تفصیر کا بینه است و نه نا بود کردن یک رژیم. تردیدی  
نیست که از اکنون نمیتوان محدود و جزئیات امر  
را بدقت روشن کرد. این کار نه تنها از عهده هیچ  
نیروی واحدی ساخته نیست بلکه مجموعه نیروها  
پس از روشن کردن کل برنامه و دیدن همه جوانب  
کار میتوانند در مورد آن نظر دهند. بسیار ساده و آسان  
است که در خلوت پناهگاه عناصری چند به نظر خود  
همه جوانب را بسنجند و "برنامه" دهند و با یکدیگر

و نه با جامعه بر سر چند و چون این یا آن ماده چک  
و چانه بزنند، این کار همانقدر سهل است که عبث  
بکار آراء نفس کودکانه و یا در بهترین شرایط  
اقدامی حاکی از عدم احسان مسئولیت و یا ابهام  
داشتن در مورد قدرت خود است. گام اول اینست  
که ضرورت وجود این برنامه با وسیعترین شناخت  
از وضعیت نیروهای خودی و دیگران درک شود.  
بوشتن برنامه‌ای که بر پایه چنین شناختی نباشد  
کاری بجز دا من زدن به بی برنامه‌گی جنبش نخواهد  
کرد. فریب و سرابی بیش نخواهد بود.

آیا پیوریسیون کمونیستی ایران و بویژه  
آن بخش از کمونیستها تیکه به ضرورت سرنگونی قهرآ میز  
ریم جمهوری اسلامی واقف هستند میتوانند در این  
بحرانی ترین ادوار عمر خویش چنین درایتی از خود  
نشان دهند؟ امیدواریم این بار آینده آموزنده  
و به عبرت آموز باشد.

**نقیصه بزرگ: اساسی ترین مسئله**

ما در عین حال که به ضرورت سرنگونی قهرآ میز  
رژیم ایمان داریم، به مشکل بزرگی که در این  
راه وجود دارد نیز واقف هستیم و معتقدیم که  
مهمترین و طیفه کمونیستها اتخاذ ندا بیرون اکتیک  
های مناسب برای رفع این مشکل است. این اشکال  
مسئله بیوند و پیوند مبارزات سازمانهای سیاسی  
با جنبش توده‌ایست. در این باره توضیح میدهم.  
حدت مبارزات اخیر نتیجه طبیعی حسدت  
مبارزات طبقاتی و توده‌ای نبوده است در دورانهای  
معیبی بارشائی و جنبش‌های توده‌ای اوج میگردد  
و سازمانهای سیاسی به مثابه نمایندگان بخش‌های  
مختلف مبارزات خود را با رژیم گسترش میدهند  
و بالاخره کار به مرحله‌های یعنی درگیریهایی  
مسلحانه میکشد. در این دورانها مسئله پیوند جنبش

بقیه در صفحه ۱۰

**پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی**



# ایران و مطبوعات جهان

روزنامه لوموند در شماره ۱۲۵ و ۱۲۶ (۲ شهریور ۶۰) نوشت:

روزنامه اسرائیلی هارتز - که بیخاطر مستقل و جدی بودنش معروف است - در شماره ۱۲۳ و ۱۲۴ خود به پلمیک مربوط به ادامه روابط با زرگانی دولت‌های اسرائیلی و جمهوری اسلامی، ابعاد تازه‌ای بخشیده است. این روزنامه از قبول منابع صلاحیتدار اقتصادی می‌نویسد که اسرائیل از چندین ماه پیش صادرات خود به ایران را از سر گرفته است. صادرات اسرائیل به رژیم اسلامی بالغ بر ۲۰ میلیون دلار است و این رقم یک سوم مبلغ صادرات اورشلیم به تهران در زمان شاه می‌باشد. البته در این رقم ارسال تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی منظور نشده است. به نوشته هارتز، رژیم اسلامی در معاملات خود از "پوشش" شرکت‌های اروپایی استفاده می‌کند. بازرگاری کالاهای صادره از طرف اسرائیل به بنا در ایران، در بندر هسای روتردام (هلند) و بنا در مختلف ایتالیا صورت می‌گیرد.

هفته نامه "الفریک - آزی" چاپ پاریس در شماره ۲۲۶ مورخ ۱۷ اوت ۸۱ در همین زمینه می‌نویسد:

"علی‌رغم تکذیب رسمی تهران، منابع دیپلماتیک در پایتخت ایران متحد القولند که به پیشینه درجانی در زمان نخست وزیر پیش در خواست ارسال اسلحه و لوازم بدگی و تجهیزات ات نظامی از اسرائیل - که اکثر "ساخت آمریکا و بنا منشاء آمریکائی دارند - آغاز شده و به نتیجه رسیده است. پیداست که این معاملات از طریق مذاکره مستقیم بین مقامات ایرانی و اسرائیلی صورت نگرفته بلکه توسط یک افسر عالی رتبه بازنشسته یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو، به عنوان رابط و فرید مورد قبول دودولت، انجام شده است."

روزنامه‌های جیره خوار و صدامی دروغ‌ساز رژیم جمهوری اسلامی، پس از خروج فرانسویان از ایران اعلام داشتند که فرانسویان راضی به خروج از ایران نبودند و با بی میلی کشور را ترک کردند. مطبوعات خارجی بویژه فرانسوی دقیقاً عکس این ادعای دروغین را اظهار داشته‌اند و در این زمینه برای نمونه، نکندای آریکارو، مورخ ۷ اوت ۸۱ نقل می‌کنیم:

"وقتی که سفارت فرانسه در تهران تصمیم دولت را به فرانسویان مقیم ایران اعلام داشت، در مدتی کمتر از یک ساعت، حدود ۶۰ نفر از (میان حدود ۱۰۰۰ نفر) فرانسویان مقیم ایران، در فرودگاه مهرآباد حاضر شدند."

در هنگامیکه دولت جمهوری اسلامی برای اطمینان بخشیدن به دولت فرانسه اعلام میداشت که فرانسویان مقیم ایران نیاید بیدیهی چوچه نگرانی داشته باشند، سخنگویان "فرانسوی" ولی موثر رژیم نظیر آیت اله مشکینی نظر دیگری اببراز میداشتند:

"آیت اله مشکینی در اقامه نماز جمعه قم اعلام کرد که در صورت بی‌نهادن بنی‌صدر جنا پتکار و رجوی تروریست، ملت مسلمان ایران بهمان ترتیبی با فرانسه عمل خواهند کرد که قبلاً با آمریکا ثیان کردند" (لوموند - ۸ اوت ۸۱)

"گفته‌های آیت اله مشکینی در نماز جمعه قم موجب نگرانی‌هایی در فرانسه شده است چرا که اشمه جماعت قم و تهران از سخنگویان موثر خمینی می‌باشند... خمینی ناظر امروز، شبه هیچ مطلبی درباره روابط ایران و فرانسه بیان نکرده است - گرچه در مورد گروگان‌گیری آمریکائی‌ان نیز از قبل از وقوع آن چیزی نگفته بود و فقط بعد از انجام عمل، از آن پشتیبانی کرد" (لوموند - ۸ اوت ۸۱) "با وجود سخنان اطمینان بخش وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، واقعیت امر اینست که در ایران امروز، سخنان یک وزیر در مقابل گفته‌های یک آخوند را با یدیه هیچ گرفتار" (فریک رو، ۷ اوت ۸۱)

پس از خروج فرانسویان از ایران، ممنوعیت تماس بنی‌صدر و رجوی نیز عملی گردیده شد. حزب سوسیالیست (حزب حاکم) فرانسه، اعلامیه‌ای داد که در آن بطور ضمنی از بنی‌صدر و رجوی حمایت شده است. قبل از نقل یکی دو عبارت از این اعلامیه بدینست یک نکته عجیب را متذکر شویم: رادیو تلویزیون های دولتی فرانسه که بی‌انگیز نظر دولت سوسیالیست فرانسه است گرایشی آشکار به سلطنت طلبان و طرفداران شاهپور بختیارشان میدهد و در رابطه با مسائل ایران، رادیو تلویزیون های دولتی فرانسه بنحوت تقریباً انحصاری به طرفداران شاهپور بختیار و سلطنت طلبان چشم می‌دوزند. در حالیکه حزب سوسیالیست فرانسه بطوریکه در زیر مشاهد می‌شود، نظر دیگری دارد:

"... اوضاع ایران که از پیا مدهای آن وخیم شدن رابطه فرانسه و مقامات ایرانی است باعث نگرانی حزب سوسیالیست فرانسه است. پروسه‌ای که منجر به عزل پهرزیدان بنی‌صدر و روی کار آمدن جانشین او شد، افزایش شدید اعدام‌ها را به دنبال داشت... دولت ایران بموازات جنگ با عراق، منازعه داخلی علیه خواستهای اقلیت‌های ملی از جمله کردها را دنبال میکند که در تداوم خود میتواند به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل گردد. برانسیزوی سیاسی ایران در صحنه بین‌المللی بایست مشکلات عظیم اقتصادی را اضافه کرد. تعصب خشک سیاسی - مذهبی، خواستهای آزادخوا-

هائنه مردم ایران را که سالها در حال مبارزه اند، به یاسی بدل کرده است. این شرایط بهیچ عنوان نمیتواند ترزهای مدا - فغان رژیم سلطنتی را - که سهمی بسزرگ در این تحولات منفی ایران دارد - موجه جلوه دهد. حزب سوسیالیست فرانسه که به افشاء دیکتاتوری شاه دست زده بود، اعمال رژیم فعلی را نیز که بهمان میزان سرکوب - گرانه است، محکوم میکند (لوموند ۱۶-۱۷ اوت ۸۱).

هفته نامه "افریک - آزی" در شماره ۱۱۷ اوت ۸۱ درباره جنگ ایران و عراق نوشت: "حزب جمهوری اسلامی (درست در زمان بنگ - سازمان آیت الله بهشتی برای بدست گرفتن کامل قدرت نقشه می کشید)، خواستار جنگ ایران و عراق بود تا بدین وسیله ارتش را با جنگ مشغول کند. از طرف دیگر مسعود رجوی اظهار داشته است: مدارک ضبط شده بروی نوآرد را اختیار دارد که نشان میدهد درواها نیون حاکم دست به تحریک عراقی ها زده اند".

ژان گبراس، خبرنگار رورنا مه لوموند مصاحبه مفصلی با مسعود رجوی بعمل آورد که در شماره ۱۶-۱۷ اوت ۸۱ آن روزنامه به چاپ رسید. در زیر دو سه نکته جالب این مصاحبه را نقل میکنیم. خبرنگار لوموند می پرسد:

"آیا شما با جمهوری اسلامی موافقت میکنید؟"

رجوی جواب میدهد: "ما خواستار رژیم اسلامی دموکراتیک هستیم که با جمهوری اسلامی خمینی - که ارتجاعی و غیر اسلامی است - فرق دارد."

(فراموش نکنیم که دو سال و نیم پیش، قبائل از برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، مهدی بازرگان نیز خواستار "جمهوری اسلامی دموکراتیک" شده بودند که این مطلب در روزنامه های همان ایام نیز منعکس شد).

مسعود رجوی در پاسخ به یک سؤال دیگر خبرنگار روزنامه میگوید:

"... این تنها شاه نبود که ما را متهم به مارکسیست اسلامی میکرد. خمینی هم اینکار را میکند... (در حالیکه)) ما مسلمانیسم، و افکار فلسفی مان بکلی با تئوری بهیچکسای مارکسیستی فرق میکند."

ژان گبراس از رجوی می پرسد:

"چه کسانی میتوانند در شورای ملی مقاومت شرکت کنند؟"

رجوی در جواب میگوید:

"تمام کسانی که اصول ما را در مورد آزادی و استقلال بپذیرند میتوانند در آن شرکت کنند بشرط آنکه با شاه و خمینی همکاری نکرده باشند" (تا کیدها از ما است).

خبرنگار موقع شناس و نکته مسج لوموند بلافاصله سؤال میکند:

"بنا بر این شما بنی صدر را که یک مال و نیم رئیس جمهور رژیم خمینی بود، کس...

رجوی در جواب میگوید: "کس..."

میگسذارید؟" رجوی که در انتظار چنین سؤال ظریفی نبود، میگوید که قضیه را ما ست مالی کند:

"فکر نمیکنم آنچه شما می گوئید درست باشد. من نمیخواهم نقش وکیل مدافع آقای بنی صدر را ایفاء کنم... ما ((بنی صدر و محاهدین)) در یک مورد مشخص یعنی دموکراسی و عدم پذیرش دیکتاتوری بهم ملحق شده ایم."

روزنامه لوموند، در ۱۳ اوت ۸۱، عکسی از دانشجویان مبارز ایرانی بهنگام اشغال سفارت جمهوری اسلامی در اسلو (نروژ) بجا پرساییده است. در این عکس، دانشجویان مشغول سوزاندن عکسها و کتابهای آیت الله خمینی هستند.

پس از ورود مسعود رجوی به پاریس، نشریه جدیدی بزبان فارسی با بهره وجود گذاشت بنام "نشریه انجمن دانشجویان صلحان فرانسه" که شماره سوم آن در ۶ شهریور ۶۰ انتشار یافت. در هر مقاله شماره ۳، که گویا بقلم مسعود رجوی نوشته شده از جمله آمده است:

"ارتجاع حاکم با همه عقب ماندگی و کندذهنی اش این نکته را بخوبی دریافته است که سفر مسئولین شورا ((ی ملی مقاومت)) به پاریس، سقوط قریب الوقوع حکومتش را بیش از پیش تسریع میکند."

در همین شماره نشریه اعلامیه ای از مجاهدین مورخ ۲۱ مرداد ۶۰ که از رادیوی صدای مجاهد قبلا پخش شده چاپ گردیده و در بخشی از آن آمده است:

"با اعضاء مجلس، کابینه و مسئولین، اعضاء سایر ارگانها و نهادهای ارتجاعی، قضائی، انتظامی و تبلیغاتی" اخطار میشود

در صورتیکه از مناصب و موقعیتهای خود استعفاء ندهند در تمام جنبایات خمینی و رژیم ارتجاعی اوسهیم و شریک بوده و از قهر خدا و خشم انتقام خلق و نیروهای انقلابی و مقاومت مردمی در امان نبوده و به سزای شرکت در این جنبایات خواهند رسید."

در شماره ۴ نشریه، چندین پیام چاپ شده است که هر یک از آنها دارای معانی خاصی سیاسی میباشند و اطلاع از آنها حاظر کمال اهمیت است:

۱- چاپ اعلامیه ای از سازمان عقوبتین المللی و بیامیهای سشتیسانی این سازمان از محاهدین و رجوی.

۲- چاپ پیام مورخ ۱۲ اوت ۸۱ حزب سوسیالیست ایستالیا (که رئیس جمهور کنونی ایسن کشور نیز عضو این حزب است) به مسعود رجوی - در بخشی از این پیام خطاب به رجوی آمده است:

"سفر پرخطر شما را به ایران و ورودتان به فرانسه را صمیمانه تبریک گفته... خواستار بر رسمیت شناخته شدن نقش اصلی شما در سطح بین المللی بوده و آرزو مند بارگشت شما و پیروزی مردم ایران میباشیم."

۳- "حزب دموکرات کردستان ایران - تشکلات

# مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"مجا هدیین خلق و سا بیر نیروهای ضد خمینی به حملات خود علیه پاسداران اسلامی در تهران و سایر نقاط همچنان ادامه میدهند. طبق گزارشات واسطه، پنج پاسدار از یک مفاز در تهران بیرون کشیده شده و در گوشه خیابان اعدام شده اند. همچنین گفته میشود که ۲۶ تن از نمایندگان برگزیده خمینی در دادگاه های انقلاب در نقاط مختلف کشور توسط نیروهای مخالف رژیم بقتل رسیده اند."

▲ اگونومیست لندن در شماره ۵ مورخ ۵ سپتامبر ۸۱ مینویسد:

"اگرا و (( خمینی )) کشته شود بنظر من میرسد که حزب جمهوری اسلامی قادر به ادامه کار باشد. در بین آخوندها اتفاق نظر وجود ندارد. دویا سه تن از آیت الله ها، که از نظر مقام و دانش بر آیت الله خمینی برتری دارند، از حزب خارج مانده اند و بنحو غیر فعالی به نقش رهبری خمینی و دیگر روحانیان فرساست، انتقاد دارند..."

نیروهای مسلح دقیقا بیطرف مانده اند؛ رهبران آن و قناری شخصی خود را نه به رژیم بلکه به آیت الله خمینی - همچون ژنرال های آلمانی به هیتلر - اعلام کرده اند و ای توده ها بگیا رچه نیستند: نیروی دریایی همواره محافظه کار و سلطنت طلب بوده در حالیکه نیروی هوایی به جمهوری خواهی و چپ گرایش داشته است."

اروپا " پیامی برای " سازمان مجا هدیین خلق ایران " و آقای مسعود رجوی " می فرستد و در اعلامیه ای به امضاء " مجا هدیین خلق ایران پاریس ، ۶۰/۵/۲۰ ، از پیام آنها تشکر می شود .

۴- مهمترین رزیمه ، چاپ پیام " حزب کمونیست سوئیس " مورخ ۲۱ اوت ۸۱ ( ۹ شهریور ۶۰ ) خطاب به مجا هدیین است که در آن از جمله اشاره میشود که انقلاب ایران را " نیروهای مختلف و بعضا " متضاد و طبقات و بخشهای اجتماعی گوناگون " بوجود آورده اند .

" اما دیری نمی پاید که اختلافات بین مسلمانان قشری و جناحهای مترقی ، دموکرات و سوسیالیستها آغاز میشود . امروز مسلمانان قشری به تنهایی برای ایران حکومت میکنند ولی هنوز اثبات نکرده اند که ما بیل به تحقق اصلاحات عمیق و دموکراتیک میباشند ."

در پیام " حزب کمونیست سوئیس " پس از اشاره به " فقدان یک برنامه اقتصادی و اجتماعی " در جمهوری اسلامی ، سیاست خارجی " مسلمانان قشری " که " قصد شوری و ضد کمونیست " است مورد انتقاد قرار میگيرد و اضافه میشود که " ضد کمونیست بودن در سیاست داخلی ایران نیز بخواهی مخصوص است . تشویق حسابهای خونین با نیروهای که قاطعانه ضد امپریالیست میباشند برای آینده و تکامل بمدی انقلاب ، مفراست "

▲ " مجله تایم " در شماره مورخ ۲۱ سپتامبر ۸۱ در باره ای اعدای دستجمعی و مخفی رژیم جمهوری اسلامی مینویسد :

" در شب ۲ سپتامبر (( ۲۱ شهریور ۶۰ )) یک گرو از پاسداران اسلامی تادندان مسلح ، در کاروانسای ازجیب ها و مینی بوسهای خالی وارد محوطه زندان اوین در شمال تهران شدند . در حضور نگهبانان خواب آلوده - و متعجب - زندان ، ۱۵۰ نفر از زندانیان را ، که بسیاری از آنها اخیرا بطرح جرایم سیاسی توسط دادگاههای واپس گرای رژیم تعصبی محاصره ای خمینی محکوم شده بودند ، جمع آورد کردند . و این عده را در گروههای هشت الی ده نفری ، بطرف جیبها و مینی بوسهای در حال انتظار بردند ."

" تایم " مینویسد که : از طریق منابع داخل رژیم خمینی مطلع شده است که زندانیان ، از جمله تمسادی جوانان کمسال ، از اوین به مکانهای نامعلومی بردند و بقتل رسیدند . اقوام سایر مخالفین اعدام شده که " تلی از اجساد بدون مراتب " در گورستان پشت زهرا ، در جنوب تهران ، سرگردان بودند موفق شدند که پاره ای از زندانیان نا پدید شده را شناسایی کنند . " تایم " اضافه میکند که ناظران در تهران معتقدند که عکس العمل مخالف هم در ایران و هم در خارج دو مقابل موج کشتارها ، خمینی را وادار کرده است که (( علاوه بر اعدای هر روزی اعلام شده توسط رژیم )) به روشهای مخفی شاه توسل شود .

این نشریه در جای دیگری در همین شماره مینویسد :

### کمکهای مالی دریافت شده

آمل	بوکان	منهد
ش	ج	ف
۴۱۱۱	۲۰۰	۵۰۰۰
بدون کد	ع	۵۰۰۰
۱۰۵۰	۷۰۰	رفقای هوادار
ایفهان	رشت	۱۰۰۰۰
ی	ز	انگلستان
۲۰۰۲۱	۷۰۰۰	بدون کد
بایل	۵۰۰۰	۴۰۰۰۰
ش	بدون کد	شیکاگو
۴۰۰۰	۵۰۰۰	م - ب
بدون کد	کرج	۵۲۵
۴۰۰۰	ن	ش - ف
بروجرد	۱۰۱۲	۲۹۰۰۰۰
بدون کد	کرمانشاه	لس آنجلس
۱۱۰۰	الف	ع
بندر عباس	۳۳۲۰	۱۱۰۰
م	م	هوستن
۴۰۰۰	۵۲۲۱	د - ه
	ن	۱۰۰۰
	۱۱۱۱	رفقای هوادار
		۲۵۰۰۰۰

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



### گشایش مدارس ،

## گشایش سنگری دیگر در استای مبارزات انقلابی

با فرارسیدن اول مهر سال ۱۳۶۵ و گشایش مدارس کشور، بار دیگر رژیم ارتجاعی تبلیغات وسیع و همه جانبه خود را به همراه تهدید و اصرار علیه نیروهای انقلابی و مبارز تشدید کرده اند. رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی که ادامه ی حیثیات سنگینش را مدیون زندان و شکنجه و اعدام مبارزین و بیسیج اوپاش و جماعت بدستان است و حشمت زده از گسترش مبارزات توده های زحمتکش ، سعی دارد با تمام قوا از تبدیل مدارس کشور به سنگر مبارزه و شرکت دانش آموزان انقلابی در مبارزات حق طلبانه توده های مردم جلوگیری کند. گسترش شبکه های انجمن های اسلامی که در حقیقت نقش ساواک رژیم را بعهده دارند ، دادن اختیارات نامحدود به مسئولین امورتربیتی ، خودداری از بنا نویسی مجدد دانش آموزان با سابقه " نامطلوب " و قسرار دادن اما می آنها در اختیار کمیته ها ، اخراج کلیه معلمین مبارز و مترقی ، تحت فشار قسرار دادن خانواده ها برای کنترل فرزندان خود ، مدوربیا نیه ها و اطلاعیه های شدا و غلاظ از جانب مسئولین مبنی بر بر خورد شدید با هرگونه فعالیت سیاسی در مدارس فقط گوشه ای از تلاشهای مذبح خانه ی رژیم جهت حفظ " آرامش گورستان " در مدارس کشور است .

ارتجاعی کتب درسی و ... از طریق شعار نویسی در مدارس و سایر اماکن ، در صورت امکان دادن اعلامیه و پخش محفی آن در مدرسه افشا کنید . عوامل رژیم در مدارس مثل اعضای انجمنهای اسلامی و مسئولین امورتربیتی را شناسائی و اما می آنها را بطریق مختلف اعلام کنید . تنها وظیفه ی این جاسوسان همواره شناسائی دانش آموزان چپ و انقلابی میباشد .

ج: امکانات مختلف مبارزاتی را شناسائی کنید . با تهیه امکانات تکثیر و پخش ( هر چند که این امکانات محدود و بدوی باشند ) اعلامیه های سازمانهای چپ انقلابی را تکثیر و توزیع نمایید . در این زمینه حتی می توان در صورت عدم دسترسی به ماشین پهللی کپی به دستگاه زیراکس ، پهللی کپی الکلی ، دست نویسی و یا پهللی کپی دستی ( که می توان با چند تکه چوب و عسلک درست کرد ) استفاده نمود .

ز: بطور فعال از مبارزات توده ها و مبارزین انقلابی حمایت کنید و به آنها یاری رسانید .

ه: همواره بخطر داشته باشید که دشمن هرگز قادر نخواهد بود مبارزه ای متشکل ، متحد و یکپارچه و متوجه ای را سرکوب نماید و بنا بر این باید تمام گوش خود را برای ایجاد چنین کارزاری بکار ببریم . دانش آموزان مبارز و انقلابی .

اما رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی از آنجا که میدانند با وجود تمام این تمهیدات قادر به سرکوب مبارزات دانش آموزان نیست ، از هم اکنون به تعطیل کشاندن مدارس را تدارک دیده و در روزی نامه های وابسته بخود زمزمه ی " انقلاب فرهنگی " در مدارس را آغاز کرده است .

با این همه رژیم خود نیز میدانند که قادر نخواهد بود از اوج گیری مبارزات دانش آموزان انقلابی جلوگیری کند . ماههای آینده بی شک ۱۳ آبان های پیشماری را تجربه خواهد کرد و دانش آموزان میهن ما ، این فرزندان زحمتکش و ستم دیده گان بار دیگر نشان خواهند داد که تسلیم زور و اعراب و ترسور نخواهند شد .

### دانش آموزان مبارز و انقلابی

با زدن مدارس و تجمع شما در کلاسهای درس موجب فحیت بسیار مناسبی برای گسترش مبارزات شماست . شما باید ضمن حفظ هوشیاری انقلابی و خشنی کردن توطئه ها و دسیسه های دشمن از این موافقت برای افشای رژیم فدمردمی جمهوری اسلامی استفاده کنید باید بکوشش کنید :

الف : با ایجاد دسته های مخفی مقاومت متشکل از دانش آموزان انقلابی در سطح مدارس ، برگزاری جلسات مخفی برای بحث و مطالعه و برنامه ریزی مبارزه ، نقش خود را در همگامی با مبارزات انقلابی توده ها ایفا کنید .

ب : ماهیت ارتجاعی رژیم و مزدورانش را با نشان دادن اهداف برنامه های آموزشی رژیم ، نقش انجمن های اسلامی و مسئولین تربیتی ، محضروا

مبارزات شما در سالهای گذشته و رشادت ها و فداکاری های شما صفاتی زرین در دفتر مبارزات خلقهای ستم دیده ی میهن را تشکیل میدهند . اکنون نیز با وجود اینکه گسترش دهشتناک ترور و اختناق توسط رژیم مبارزه را بر پیچ و هم تروها در ساغته است باید بکوشید تا با شرکت هر چه گسترده تر در همگامی با مبارزات فداستشماري گران و مبارز زحمتکش و با پیوند مبارزات انقلابی خود با مبارزات سایر توده های مردم ، وظیفه ی سنگینی را که بدوش شماست به بهترین نحو ادا نمائید و بدانید که شما در همگامی با مبارزات فدرما به داری طبقه کارگر و پیروزی این مبارزات است که مبارزه ی واقعی فدا مپریالیستی را پیش برده چه ، " مبارزه فدا مپریالیستی جدا از مبارزه علیه سرمایه داری نیست . "

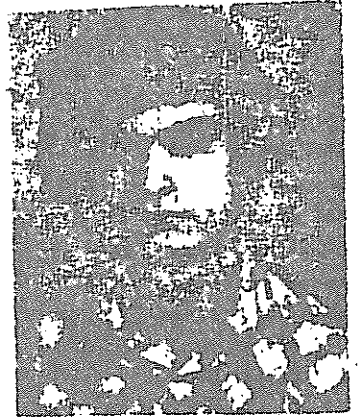
آنچه در این جهت بسیار ضروری و حیاتی است پرهیز از گروه گروائی و سکتاریسم و کوشش خستگی - با پذیر برای یکپارچگی مبارزات است . نیروهای انقلابی و مبارز ، چنانچه متحد و متشکل حول شمار محوری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزات خود را سازمان دهند ، بدون تردید خواهند توانست بسیاری از توطئه های رژیم را نقش بر آب کرده و پیروزی این مبارزات را تا حدود زیادی تضمین نمایند .

### دانش آموزان مبارز و انقلابی

رویدادهای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از مدتی پیش آغاز شده است . بکوشیم با بشبه در صفحه ۱۱

# گرامی باد خاطرۀ رفیق

## یوسف یوسفی



دوران کوتاه فعالیت‌های دانشجویی وی یکی از فعالین جنبش دانشجویی در شیراز بود و در بورس و حتیانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاه‌ها در بهار سال ۵۹ تحت پیگرد قرار گرفت. و در اردیبهشت همان سال در جریان مقاومت دانشجویان رزمندۀ دانشگاه شیراز به اتفاق چندتن دیگر از زلفا دستگیر و زندانی شد. در زندان تحت شکنجه‌های بدنی و روحی زندانبانان رژیم محروشد وی را برای مصالحه به بیمارستان اعزام کند. در آنجا او موفق شد با هوشیاری انقلابی از چنگ دژخیمان رژیم بگریزد و مجدداً به صفوف مبارزه باز گردد.

رفیق یوسف در تابستان ۱۳۵۹ برای گذراندن دوره‌های آموزش نظامی و شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد از طرف سازمان به این منطقه اعزام گردید و از آغاز سال جدید از طرف سازمان به اصفهان رفت و بعنوان یکی از مسئولین سازمان در این شهر به فعالیت پرداخت.

رژیم جنایتکار خمینی بعد از دستگیری مجدد وی در اول تیر ماه سال جاری، او را تحت شکنجه‌های شدید قرار داد بطوریکه هنگامیکه چند او تحویل خانوادۀش گردید در روی بدنش آثار شکنجه‌های شدید به‌وضوح قابل رویت بود. از جمله دو جای سوختگی شدید در ناحیۀ شکم و پهلو و شکنجگی فک، پناه شدن تمام انگشتان دست، آثار شلاق در پشت بدن، اثر سوزاندن شدید در پهلو و رات که عبارت "الله اکبر، خمینی رهبر" قابل خواندن بود. بر اساس نظر پزشکان، علت مرگ وی نه تیرباران (با وجود اینکه جای گلوله در بدن وی مشاهده میگردید) بلکه ضربه‌ی شدید پهلو بیضه‌های او بوده است. به این ترتیب روشن است که پاسداران جانی قبل از تیرباران وی را با شکنجه به قتل رسانده و سپس برای رد گم کردن گلوله به جسد بیجان او شلیک کرده‌اند.

با این ترتیب رفیق یوسف یوسفی، به "جنرم" حمایت از خواستهای زحمتکشان و مبارزه در راه سوسیالیسم به همراه مددا انقلابی و مبارز دیگر توسط مزدوران رژیم خونخوار خمینی به شهادت رسید. باد ابر همواره زنده خواهد ماند و دبیری نخواهد باشد که توده‌های ستمدیده‌ی ایران انتقام خون او و هزاران شهید راه رهایی خود را از رژیم سوما به داری جمهوری اسلامی باز خواهند ستاند.

### بادش گرامی باد

در روز جمعه ۶ شهریور ۱۳۶۰، دادستانی ضد انقلاب در اصفهان، اعدام یکی دیگر از رفقای ما را اعلام کرد. این رفیق یوسف یوسفی، از اعضای فعال سازمان بود که در روز دوشنبه اول تیر در بازرسی بدنی در اصفهان، در حالیکه تهی‌دانی، تضریه و اعلامیه به‌مراه داشت، بازداشت شده بود.

رفیق یوسف در سال ۱۳۳۶ متولد شد و در پایان سال ۱۳۵۴ پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان برای ادامۀ تحصیل عازم آمریکا گردید. و در آنجا با تشکیلات سازمانهای دانشجویی کنفدراسیون آشنا گردید. وی بزودی بصورت یکی از کادرهای فعال جنبش دانشجویی درآمد. در جریان همین مبارزات در سال ۱۳۵۶ با "گروه اتحاد کمونیستی" آشنا گردید و اولین فعالیت‌های تشکیلاتی خود را با گروه آغاز کرد. رفیق یوسف در بهار سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در جریان جنبش رو به اوج توده‌های مردم علیه رژیم استبدادی و وابسته به امپریالیسم شاه فعالیت شرکت نمود و به اتفاق چند تن دیگر از رفقا سلولهای تشکیلاتی جندی را در شیراز سازمان داد.

در سال ۵۸ رفیق به عضویت سازمان درآمد و در همین دوران در کنکور رشته‌ی ریاضی دانشگاه شیراز شرکت کرده و به دانشگاه راه یافت. در

## سرفکونی

رژیم ضرورتاً و بالا بیاورد دستور کار قرار گرفته است چپ ایران با دیدبندیشد که چه تدا بیرون کتیکها می توان انداخته کند که مبارزانش برای توده‌های زحمتکش معنای واقعی پیدا بدو آنرا متقا مدسا زد که جنگ امروز جنگ سازمانهای سیاسی با هم نیست بلکه جنگی است بخاطر تضاد طبقات مختلف. تنها بدین طریق است که توده زحمتکشان بطور فصول در این جنگ درگیر میشوند. تنها در صورتیکه توده‌ها جنگ را مربوط به خود بدانند آماده حرکت وسیع میشوند. دستور عمل سازمانهای چپ باید بر اساس جنگ سازمانهای سیاسی (چپ و رژیم) به جنگ

طبقات مختلف است. این کاری سهل نیست. دشوارترین کار است. ولی کار دشواری است که بدون انجام آن انقلاب هرگز روی پیروزی را نخواهد دید.

### توضیح

انتشار رهائی برای چند شماره با وقفه مواجه شد. این امر بواسطه اشکالات تکنیکی که اعمال شدیدترین جوخفقان از طرف رژیم حاکم رفع سریع آنها را برای ما بسیار دشوار ساخت، بوجود آمد. از این پس خواهیم کوشید تا انتشار رهائی حتی الامکان بی وقفه انجام پذیرد.

اخبار...

سفر

چندی قبل، دانش آموزان سال چهارم نظری در رشته اقتصاد، هنگام برگزاری امتحانات نهایی، در اعتراض به جو نظامی حاکم بر جلسه امتحان یعنی حضور پاسداران و جاشها، همگی با دادن ورقه سفید جلسه را ترک کردند. در نتیجه این امر، اداره "آموزش و پرورش" ناچار شد از ورود پاسداران به جلسه جلوگیری کند. بدنبال این پیروزی دانش آموزان کرد، امتحانات عقب افتاده برگزار و به اتمام میرسد.

لیکن پس از درگیری فوق الذکر در روز پنج شنبه ۵ شهریور، اداره "آموزش و پرورش" در یک اعلامیه بلند بالا و بدون ذکر هرگونه دلیل سال چهارم اقتصاد را منحل اعلام، و همچنین "دانش آموزان سال چهارم اقتصاد شهرستان سقز" را به مدت دو سال از امتحان محروم میکند!

ارتجاع حاکم که با تمام امکانات خود به هر سو جنگ می اندازد، عاجز از مقابله با دانش آموزان مبارز به خیال خود آنسان را از امتحان محروم می سازد. غافل از اینکه این دانش آموزان از امتحان در مدرسه جامعه موفق بیرون آمده اند و به روشنی ثابت کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم های و هوی تبلیغاتی خود، در گردستان در منتهای انفراد و زبونی بسر میبرد.

مشهد

به گزارش شهرداری مشهد، در ظرف ۱۵ روز اول مرداد، ۲۱ مورد آتش سوزی در شهر مشهد رخ داده است که یازده مورد آن در اثر پرتاب ککوکتل مولوتف بوده است.

"دادستان انقلاب" ارتش مشهد تا ۱۰ شهریوربه افسران بازنشسته مهلت تحویل اسلحه های خود را داده بود. همچنین مدت یکماه از ۱۷ مرداد الی ۱۷ شهریور برای تحویل سلاحهایی از ارتش و سایر نیروهای مسلح که در اختیار اشخاص عادی است مهلت تحویل آنها اعلام شده است.

شخصی بنام فلکی، دانشجوی دانشکدهی علوم دانشگاه مشهد، عضو کمیتهی مرکزی مشهد در خابک جم است و در اکیب های حمله به خانه های انقلابیون شرکت دارد.

۲۲۵ خاکستری تیره به شماره ی تهران ۰۲۲۵۷۵ همچنین افراد زیر از جاسوسان رژیم ارتجاعی سرما به داری هستند:

۱- علی فالانژ: صاحب یک مغازه موکت فروشی در خیابان سهروردی (فرح جنوبی سابق) با ارتراز چهار راه دیبا) است و مغازه وی چندی قبل به آتش کشیده شد. منزل وی در خیابان میرهادی، کوچهی زنبق است. وی چند نفر را تا کنون لو داده است و اخیرا نیز مسلح حرکت میکند.

۲- رحمان خان: صاحب یک مغازه ی خرازی در خیابان تخت طاووس سابق، خیابان میرهادی، بالاتسراز کوچهی گل سرخ است و چند نفر را تا کنون لو داده است. اخبار زیر را از یک بولتن خبری تحت عنوان "نشریه خبری - شماره ۱ - شهریور ۱۳۶۰" به منظور انتشار و سیعتر آنها نقل میکنیم.

در چند هفته اخیر از وزارتخانه ها، بانکها، واحدهای صنعتی و خدماتی دولتی خبر میرسد که اعضای انجمن ها و شوراهای اسلامی به منظور فرار از عقوبت به طرز بی سابقه ای به استعفا پناه برده اند. در برخی از بانکها و وزارتخانه ها در مذاکرات با شماره ۵۰۰ با آلی ۵۰ درصد هم رسیده است. وحشت این خادمین همیشگی قدرت را بوضوح در شمیم اخیر وزارت کار که به عاملین خبرچین و جاسوز را پس از انجمن ها و شوراهای شوه بیمه کار میدهند میتوان دید. اطلاعات ۱۴ مرداد ۶۰ چنین میگوید: "طبق تصویب شورای عالی کار، هیئت موسسین و اعضای شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی صنعتی، خدماتی و کشاورزی از اخراج معون شدند."

رژیم جمهوری اسلامی بهر قیمتی مایل به حفظ ابزار سرکوب خود است. مثلا امتیازات استخدام در سپاه عیار تنداز: حداقل ۴۵۰۰۰۰ ریال حقوق ماهانه، محل سکونت، تامین خواربار و ما بچتاج از تمامت و نیهای مخصوص وسیله نقلیه و تامین همسر و امکانات ازدواج (از طریق موسسه ای که به همین منظور بوجود آمده است) برای پاسداران مجرب...

در اواسط مرداد ماه، دو انفجار در محفل اداره ارشاد و سیاسی - ایدئولوژیک پایگاه یکم شکاری صورت گرفته است. این انفجارها متعاقب دستگیریهای گسترده نیروی هوایی پس از پرواز رجوی - بنی صدر صورت پذیرفته، انجام شده است.

۸۰۰۰ روحانی همکار ساواک

در جلسه روز پنجشنبه ۶۰۹۵/۲۲ مجلس شورای اسلامی بهنگام بحث در مورد "لایحه بازسازی ادارات دولتی" آقای خلیفائی نماینده قم گفت: "در رژیم گذشته حدود ۸۰۰۰ روحانی نمایانساواک منحل همکاری میکردند." این گفته آقای خلیفائی ساعتی بعد طی یادداشتی به رئیس مجلس اعلام گرد موضوع ۸۰۰۰ نفر نبوده است بلکه ۸۰۰ نفر بوده است که مجددا در مجلس همه در گرفت و آقای خلیفائی گفتند ۸۰ نفر، که با زهم عده ای گفتند صحیح نیست و به ۸ نفر هم نمیرسد. ۱۰ - لجنه الله علی القوم الکاذبین ۴

گشایش...

شرکت فعال خود در این مبارزات، هر چه سریعتر به عمر منحوس رژیم پایان دهیم. پیروزی از آن ماست.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی مرگ برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نابود بسا در ما به داری زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان وحدت کمونیستی

را پاره کرده و خودوی را روانه خانه میکنند.



# اخبار

## تهران

● دو پاسدار شخصی ممتاز را در هنگام خرید از یک سیگار فروشی در خیابان معدق توقیف و اوربا اتومبیل به خیابان پیروز میبرند. در آنجا او را به زور از اتومبیل بیرون انداخته و تیری به پایش شلیک میکنند. سپس او را به بیمارستان برده و میگویند در رابطه با جریان گیشاست وقتش وی این موضوع را انکار میکند؛ سیگار فروش را به شهادت میطلبند. پاسداران سرمایه میگویند پس اتومبیل ب. ام. و. که کسرا آورد متعلق به چه کسی است؟

پاسداران سرمایه که از مقابله با مبارزان بین انقلابی عاجز و زبون شده اند برای دستگیری "مخاربین با خدا و امام" و کشف خانه‌ی تیمسی بهر وسیله‌ای بمنظور برگردن صفحات روزنامه‌های مزدور و صدا و سیما جمهوری اسلامی متوسل میشوند.

● در کارخانه‌ی قوشره‌ی زیبا، رئیس حسابداری که یک حزب‌اللهی است مبلغ ۷۵۰۰۰۰ ریسال از صندوق کارخانه دزدیده است. ولی در اثر اطلاع کارگران و اعتراض آنان، مجبور شده‌اند که او را موقتاً از کار برکنار کنند.

همچنین در این کارخانه، برای جلوگیری از تجمع "بیمورد" کارگران که موجبات تخریب و وحشت رژیم سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد، تصمیم به پرداخت پول صبحانه بجای صرف آن در کارخانه گرفته‌اند. برای تأکید این امر از کارگران امضا گرفته شده است. ولی تعداد زیادی امضا نگرده‌اند.

● در اوایل شهریورماه جماعتداران مزدور سرمایه وفا شییست به خانواده‌های شهدایی که در لهنج آباد به خاک سپرده شده اند حمله ور گشته‌اند. در این حمله مردان حاضر را با چماق کتک زده و ماشینها را در هم کوبیده‌اند. این جماعتداران با چندا توپوس بسد لهنج آباد منتقل شده بودند. پاسداران نیساز از رفیقان خانواده‌ها به گورستان جلوگیری میکرده‌اند.

● مادریکی از مجاهدین زندانی کتابه‌ها و نشریات فرزندش را به کناره‌ها برد و شروع به فروش آنها میکنند تا وی را دستگیر کنند و در زندان موفق به کسب اطلاع از فرزندش گردد. پس از مدتی پاسداران مزدور سرمایه او را محاصره کرده، کتابها

● گفته میشود که پاسداران جنایتکار زندان وین ۳۰ نفر از دخترانی را که در درگیری‌های ۳۰ خرداد دستگیر شده بودند، مورد تجاوز و وحشیانه قرار میدهند و سپس آنها را اعدام میکنند.

روز شنبه ۱۲ شهریور ساعت ۵ بعد از ظهر عده‌ای، اکثراً دختر، با شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باشد گسردد"، "مرگ بر ارتجاع" و سایر شعارهای ضد رژیم در خیابان گرگان دست به تظاهرات زدند. مدتی بعد پاسداران مزدور سرمایه سررسیده و با تیراندازی شدید دست به سرکوب تظاهرات کنندگان زدند. تظاهرات کنندگان نیز به سختی از اطراف گریخته و تعدادی از آنان توسط مردم فراری داده شدند. بعد از این جریان کتابفروشی هواداران اکثریت مورد تخریب قرار گرفتند و صاحب آن دستگیر شد.

● روز چهارشنبه ۱۸ شهریور بین ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر تعدادی مبارزین مطح در سه راه زندان، جاده قدیم شمیران، با شعارهای "مرگ بر خمینی" این ماه ماه خون، خمینی سرنگونه" دست به تظاهرات زدند و بعد از چند دقیقه با هدف قرار دادن چند تن از اوباشان حزب‌اللهی صحنه را ترک کردند. پاسداران پس از چند دقیقه به محل رسیدند و برای تظاهرات اینکده موفق به دستگیری کسانی هم شده‌اند، ۲ نفر از مردمی را که در خیابان بودند دستگیر نمودند.

این تظاهرات از جمله سایر تظاهرات صلحانه بود که در روزهای مختلف در خیابانهای مختلف تهران صورت گرفته است.

● اخیراً پاسداران مزدور سرمایه برای دستگیری افرادی که عکسشان را در اختیار دارند به اداره‌ها هشتمی و راستندگی مراجعه میکنند و از این طریق به جستجوی آدرس افراد مورد نظر می‌پردازند.

● در وزارت کار (فرما) از کارمندان خواسته شده است که شناسنامه‌ها بیجان را برای بازرسی ارائه دهند. ولی پس از اعتراض کارمندان، بخشنامه‌های صادر میشود که در آن ادعا میگردد که شناسنامه‌ها برای تکمیل کردن پرونده‌ها خواسته شده است.

● در وزارت نیرو نیز همین امر تکرار شده است. در وزارت کشاورزی بطرز موهنی از کارمندان و مراجعین با زجوهی بدنی به عمل می‌آوردند و ضمناً اگر کسی سیگار روینستون داشته باشد آنرا ضبط کرده و بجای آن به آقایان یک بسته سیگار آزادی و سه خانمها ۴ عدد سیگار آزادی میدهند و میگویند برای امروزتان کافیست.

● اتومبیلهای زیر توسط مزدوران رژیم و برای مقاصد تعقیب و سرکوب مبارزین مورد استفاده قرار میگیرد.

● بنز سفید رنگ به شماره‌ی ۱۱۲۵۱ تهران ۷۵، پیکان صورتی به شماره ۲۲۲۲۲ تهران م، شولست آبی به شماره ۱۵۲۲۴ سرویس، شولست ایران رنگ شیری به شماره ۱۹۲۷۸ تهران ع، پیکان خاکستری نسبتاً تیره به شماره ۲۷۸۴۴ تهران ق، ب. ام. و